

## فرهنگ روستائی

با اینکه درباره فرهنگ بسیار سخن گفته‌اند، اما فرهنگ روستائی کمتر مورد بحث قرار گرفته است و بویژه در زبان فارسی ادبیات جامعه‌شناسی از این نظر بسیار فقیر است. "دوبرولسکی" (K. Dobrowolski) جامعه‌شناس لهستانی در این مقاله دیدگاههای خود را با مراجعه به فرهنگ روستائی در لهستان مطرح می‌کند (۱). وی مفهوم فرهنگ سنتی را در رابطه با جامعه روستائی و شرایط خاص آن مورد توجه قرار می‌دهد، و هر چند که جای بسیاری از مباحث در آن خالی است، با این حال حاوی نکات سودمندی است. از آنجا که شناخت مفهوم فرهنگ روستائی و محتوای آن در ایران - که روستا در آن پایگاه ویژه‌ای دارد - دارای اهمیت خاصی است، این مقاله که توسط آقای "علی اکبر نیک خلق" کارشناس تحقیق در دانشکده علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران از زبان فرانسه به فارسی ترجمه شده است می‌تواند سودمند باشد.



فرهنگ عبارتست از: نظام ارزشها، روابط اجتماعی، روابط میان انسانها و طبیعت و هنجارهای اجتماعی. فرهنگ بیان ادراک مسائل اخلاقی، مجموعه حافظ جمعی و تجربیات کار است و براساس منطقی که در طول تاریخ شکل گرفته سازمان می‌یابد و تغییر می‌کند. در جوامع مختلف روستائی معاصر، با تصویرهویت جمعی و در عین حال آفرینش اختصاصی، و در نظر گرفتن مسئله تغییرپذیری - اما برپایه‌های مشترک - آیا می‌توان از فرهنگ سخن به میان آورد؟

مبانی این تحقیق بوسیله "دوبرولسکی" با مطالعه

نامه پژوهشکده، سال سوم  
شماره ۳-۴  
پائیز و زمستان ۱۳۵۸

فرهنگ " سنتی " در لهستان در قرنهای ۱۹ و ۲۰ ارائه شده است .

### مفهوم فرهنگ سنتی

بنابر سنت ما اساساً " حامل تمام میراث‌هایی هستیم که نسل قدیم به نسل جدید منتقل می‌کند . در انتقال اجتماعی دو روش اساسی وجود دارد : یکی عبارت از انتقال میراث فرهنگی از طریق گفتار و دیگری وسایل شفاهی انتقال (مثلاً " موسیقی ) است که از راه گوش بما می‌رسد ، همانطور که بانمایش اعمال و اشیاء آنها را از راه حس بینائی درک می‌کنیم . در جریان انتقال پدیده‌های فرهنگی بطور شفاهی ، همواره میان افراد ارتباط مستقیم برقرار است .

دومین دسته وسایل انتقال میراث فرهنگی جنبه مکانیکی دارد . منظور مادر اینجا وسایل و ابزارهای نظیر : خط ، چاپ ، نت های موسیقی و تمام انواع فنون تصویری و دوربین های عکاسی است ، که برای ثبت و نگهداری افکار و اندیشه‌ها و آثار هنری اجتماعات ( موسیقی و رقصها ) بکار می‌روند و به آنها جنبه دائمی می‌دهند .

این وسایل ، آثار هنری یا بعبارت بهتر چیزهایی که حاوی ارزشهای فرهنگی معینی است در دسترس همگان فرار می‌دهند و بهین ابداع کنندگان یا آفرینندگان این آثار و مردم ارتباط غیر مستقیم برقرار می‌سازند . علائم و قراردادهای زبان شناسی که بویژه در میان مردم نگاران و علمای تاریخ فرهنگ وجود دارد ، برای نشان دادن مبانی فرهنگی که اصولاً " بطور شفاهی انتقال می‌یابد ، اصطلاح " فرهنگ سنتی " را در علم وارد کرده است . بنا بر همین مفهوم است که ما از فرهنگ روستائی سنتی سخن می‌گوئیم .

### کارکرد اجتماعی انتقال فرهنگ از طریق شفاهی

اکنون کوشش ما بر این است که اهمیت اساسی انتقال شفاهی فرهنگ را روشن نمائیم . بی‌گمان از ویژگیهای انتقال شفاهی امکانات محدود آن در انتقال مبانی فرهنگی از نسلی به نسل دیگر است . این محدودیت هم در کمیت عناصر فرهنگی و هم در صحت و دقت و مدت انتقال آن پدیدار می‌شود . محدودیت های " کمی " بویژه هنگامی که دست آوردهای فنون جدید ، ادبیات و فلسفه به صحنه می‌آیند تجلی می‌نماید .

ابتکارات ، ابداعات و آثار بی نام و نشان افراد ساده اجتماع روستائی که بوسیله خط ثبت نمی‌شوند ، پایدا نمی‌مانند . این پدیده‌های فرهنگی اغلب در تجربیات کشاورزی و امور طبیعی و پزشکی ، آثار ادبی ، موسیقی ، مفاهیم عقیدتی - که بطور عمده با مرگ آفرینندگان خود از بین می‌روند - آشکار می‌شوند و تنها مقدار ناچیزی از این

آثار آنهم در قلمروئی بسیار محدود و حتی اغلب در یک خانواده حفظ و نگهداری می‌شوند.

### روند گزینش میراث فرهنگی

در فرهنگ سنتی، امکان محدود انتقال مبانی فرهنگی به روندهای ویژه گزینش - که اغلب بسیار پیچیده است - ارتباط دارد. این گزینش با ضعف و نابودی بعضی آثار میراث فرهنگی که به نسل بعد انتقال یافته ارتباط دارد. در مقابل برخی دیگر از آثار فرهنگی با نیروی حیاتی کم و بیش زیادی حفظ می‌شوند و باقی می‌مانند. موقعیت مادی دهقانان نیز نقش مهمی در روند گزینش مواریث فرهنگی بعهده دارد. روستائینی که به همت نیروی شخصی شان از طبقه خرده مالک به طبقه بالاتری ارتقاء می‌یابند بعضی عناصر فرهنگ سنتی مربوط به قشر پائین جمعیت روستائی را تحمیل می‌کنند. این عناصر بویژه مربوط به فرهنگ مادی است.

### ابزارهای ویژه انتقال اجتماعی در فرهنگ سنتی

اجتماع روستائی با حفظ فرهنگ خود بطور عمده بر اساس انتقال شفاهی و نمایش عملی از طریق ابزارهای ویژه انتقال در بیرون از دایره تعلیمات عادی و نیز تعلیمات مربوط به نمایش فعالیتها مبادرت به عمل می‌نماید. این ابزار انتقال باشیوه‌ای بسیار معتبر و پایدار حفظ و نگهداری شناسائی‌های لازم را از دنیا و زندگی تضمین می‌نماید. این ابزارها قالب‌های فشرده، دقیق و غالباً "منظمی هستند که محتوای آن شامل مشاهدات جوی، شناسائی مربوط به آب و هوا، اطلاعات تجربی مربوط به کشاورزی و دامداری، توصیه‌های مذهبی یا اخلاقی و بالاخره تمام انواع تجربیاتی است که حکمت زندگی نامیده می‌شود. بخش مهمی از این قالب‌ها به مقوله ضرب المثل‌ها تعلق دارند.

### گمنامی آفرینندگان آثار فرهنگی

یکی از ویژگیهای اساسی فرهنگ سنتی گمنامی آفرینندگانی است که در تشکیل مبانی فرهنگی شرکت دارند. ایجاد اصلاحاتی در زمینه‌های ابزار و فنون، طرز پوشاک از نظر الگوی جدید زینتی و آرایشی، و ساختن آهنگهای جدید "نت‌های موسیقی" اغلب بر روند عینی جذب شدن اثر فردی در اجتماع استوار است. این روند عینی بطور عمده در مرحله اولیه با آگاهی از شخصیت آفریننده‌اش همراه است. بتدریج با گذشت زمان، شخصیت ابداع کننده و آفریننده به فراموشی می‌افتد، اثر از آفریننده‌اش جدا می‌شود، ویژگی فردی‌اش را از دست می‌دهد و جزء آفرینش جمعی بی‌نام و نشان در می‌آید.

## قدرت نفوذ فرهنگ سنتی

یکی از مشخصات بسیار مهم هر فرهنگی که بیش از همه، عناصر سنتی را عرضه می‌کند بودن آهنگ توسعه، آنست. وضعیت های متعدد مربوط به زمینه، نیروهای تولید قرنهای زیاد دوام داشته و ثابت مانده‌اند. بهمین ترتیب سازمان های اجتماعی و اعتقاد به ارزشهای مربوط به آنها نیز برجای مانده‌اند. مفهوم عبارت "همانطور که پدران ما عمل کردند ما هم عمل می‌کنیم" نمونه معتقدات روستائیان است که پیرو فرهنگ کهن و سنتی هستند. در چنین شرایط انگیزش عقلانی و آگاهانه فعالیت‌های زراعی و نیز منطقی بودن شیوه رفتار و طرز عمل نقش بسیار ناچیزی دارد.

## نقش جادو و مذهب در حفظ فرهنگ سنتی

یکی از خطوط برجسته، فرهنگ سنتی تاثیر قابل ملاحظه معتقدات، باورداشته‌ها، و عملیات جادویی در کنش‌هایی است که بر اساس تجربه‌های واقعی زندگی قرار دارند. منشاء عملیات جادویی در شیوه خاص تعبیر و تبیین پدیده‌های طبیعی عضوی و غیرعضوی که در میان مردم روی زمین عمومیت داده شده است وجود دارد. این شیوه عبارت از این است که به پدیده‌ها و اشیاء طبیعی نیروی پنهانی و اسرار آمیزی نسبت می‌دهند و در پاره‌ای موارد آنها را بشکل انواع مختلف دیوها و شیاطین در می‌آورند که بر قسمت کم و بیش بزرگی از واقعیت‌ها حاکمند.

عقاید مذهبی نیز در نگهداری ارزشهای سنتی فرهنگی نقش بسیار مهمی بازی می‌کنند. اعتقاد و ایمان به "خدای قادر مطلق" آفریننده تمام اشیاء و هادی تعبیر ناپذیر و اینکه مشیت الهی بر نظام اجتماعی و سرنوشت افراد و تمام پدیده‌های طبیعی حکمفرماست، بدنیاال خود نظامی از مجازات های فوق طبیعی را در بر دارد.

## گرایش به همگونی فرهنگی

فرهنگ کهن روستائی از نظر مصرف تولیدات فرهنگی و شرکت در آفرینش آنها بگونه فرهنگی یکپارچه تشکیل نشده است. در واقع تفاوت‌های اجتماعی موجود در جوامع روستائی در دوره خاصی از تاریخ اختلافاتی را از لحاظ چگونگی توزیع محصولات فرهنگی و میزان مصرف آنها بدنیاال دارد.

قطعا گروه دهقانان ثروتمند از دهقانان فقیر وضعیت مادی بهتری دارند. همچنین در زمینه آداب و رسوم گوناگون اجتماعی مانند: مراسم عروسی، آداب و رسوم مربوط به ولادت و سوگواریها می‌توان برتجمل ترین و باشکوه‌ترین آنها را نزد دهقانان ثروتمند

در موارد بشماری میان قشر بسیار مرفه روستائی معتقداتی وجود دارد که مالکیت بعضی اشیاء نظیر در بزرگ درشکه رو، بیک یا دو بخاری روی پشت بام خانه، صندوقها، برخی اثاثیه منزل و لباس و نیز استعمال پاره‌ای ظروف بمنظور حفظ مقام و منزلت اجتماعی بایسته خانواده امری الزامی است.

با وجود این تعابیرات، گرایش خاصی در جهت همگونگی در فرهنگ کهن سنتی مشاهده می‌شود. این گرایش بنانه ضرورت اجتماعی، در خصوص نوعی همگنی نهادهای اصلی اجتماعی و محتوای ایدئولوژیکی آنها، در چارچوب قشرها و طبقات مختلف روستائی پدیدار می‌شود. این همگنی با وجود استقلال طبقات مختلف به زمینه‌های فرهنگی مشترک تمام ساکنان روستا مربوط است.

### محدودیت دورنمای تاریخی

در نظام فئودالی جمعیت روستائی به اجتماعات کوچک دهقانی (دهکده‌ها)، دهستانهای مربوط به قلمرو کشیش و اجتماعات کمی وسیع‌تر تقسیم گردیده، و در شرایطی که زمینه مساعدی برای تشکیل دورنمای وسیع تاریخی وجود نداشت بسر می‌برد. در اجتماع ده که فرهنگش بیش از هر چیز بر اساس سنت شفاهی قرار دارد، یادگارهای گذشته زندگی بطور عمده دارای ویژگی محلی است و اغلب به وقایعی مربوط می‌شود که بنا بر خصیصه استثنائی و اهمیت شان در روح مردم اثری عمیق بر جای می‌گذاشت. در اینجا منظور ما بیشتر حوادث و وقایعی نظیر قحطی‌ها، بیماری‌های همه گیر، جنگ‌ها، مبارزات طبقاتی و نبرد علیه اشراف است که با مسائل اساسی و قابل لمس جمعیت ارتباط دارد. این وقایع تاریخ خاص روستائی را تشکیل می‌دهد.

### اجتماع دهقانی در فرهنگ سنتی

یکی از خطوط اصلی فرهنگ روستائی سنتی - در جریان دوره‌ای که از آن سخن رفته است - نیرومندی پیوندها و بستگی‌های اجتماعی است که جمعیت محل‌های مختلف را با وجود تفاوت‌های طبقاتی بصورت گروه متشکل و سهم پیوسته روستائی در می‌آورد. پیوند روستائیان بویژه از طریق احساس شدید اجتماع داخلی ده تجلی می‌کند. هرچند در این دوره تفاوت موجود میان دهقانان ثروتمند، متوسط، دهقانان خرده‌پا، دهقانان فقیر، صنعتگران بی زمین، بزرگران و کارگران زراعی ساخت طبقاتی را نشان می‌دهد، معهدا همواره نوعی احساس پیوستگی گروهی میان آنها وجود دارد.

اجتماع دهقانی که احساس پیوندهای داخلی آن باشدت زیادی گسترش یافته و رشد کرده است، در عین حال نسبت به بیگانه و افراد خارجی شناخت ویژه‌ای دارد. با ساکنان دهکده‌های مجاور همانند بیگانگان رفتار می‌شود. از اصل دوگانگی اخلاقی تا حد زیادی پیروی می‌شود و در مقابل افراد بیگانه خشونت بخرج می‌دهند. "روستائیان یک محل با هم نمی‌جنگند ولی با روستائیان دهکده" دیگر در صورت لزوم نبرد خواهند کرد".

### وابستگی متقابل در فرهنگ سنتی

بی‌تردید یکی از ویژگیهای فرهنگ سنتی روستائی - که موضوع مورد بحث ما می‌باشد - بالاترین درجه، وابستگی متقابل و هماهنگی است. فرهنگ سنتی روستائی مجموعه، کاملی را تشکیل می‌دهد و با وجود گرایش زیاد به حفظ و نگهداری خود در مسیر حرکت دائمی‌اش - هر چند بسیار کند است - باقی می‌ماند.

هر قسمت از این فرهنگ، هر کدام از عناصر آن نه فقط تحت تاثیر نیروهای ویژه‌اش گسترش می‌یابد، بلکه در عین حال بر اثر فشار نیازها و نیروهایی که بدنیا می‌آیند، زمینه‌های دیگر آفرینش انسانی و آثار فرهنگی دیگر پدید می‌آیند. فرهنگ سنتی که منحصرًا "بر اساس انتقال شفاهی قرار گرفته است جز به شکل خالص خود در وضعیت‌هایی که اجتماع ده آنرا حفظ و نگهداری می‌کند وجود ندارد و کمتر در معرض تاثیرات سایر فرهنگهای بسیار توسعه یافته که دارای خط هستند قرار می‌گیرد.

در مقابل فرهنگ روستائی در اروپای دوره، فئودالی و سرمایه‌داری همواره بر اثر ارتباط و تماس دائمی با فرهنگهای طبقات حاکم - که با شیوه‌ای بیش از پیش عمیق از خط و چاپ منظور جمع آوری و تکمیل مابقی فرهنگی استفاده می‌کند - گسترش می‌یابد. بهمین شکل فرهنگ روستائی در لهستان با شیوه‌ای مستقل توسعه نیافته است، بلکه در چارچوب شرایط معین نظامهای اجتماعی از طریق طبقات حاکم بوجود آمده است. بموازات و در کنار عناصر فرهنگ طبقات حاکم که در نتیجه شرایط نظامهای اجتماعی در فرهنگ روستائی داخل می‌شوند، روندی از تقلید برخی آثار فرهنگی طبقات حاکم بویژه در زمینه، آداب و رسوم، موسیقی، ادبیات عامیانه و غیره که از نظر طبقه، تحت سلطه جالب توجه‌اند روی می‌دهد.

بر اساس این دو شیوه اجبار یا تقلید، عناصر فرهنگ خواص (غیر عامیانه) در

جریان توسعه تاریخی در فرهنگ روستائی داخل می‌شوند و در عین حال گاهی فرهنگ طبقات حاکم فی‌المثل در ادبیات و علوم رسمی و بهمین ترتیب در زمینه‌های دیگر فرهنگ محو و ناپدید می‌شوند. عناصری که در فرهنگ روستائی حفظ می‌شوند اغلب در معرض دگرگونی قرار گرفته‌وبه مرور زمان خصیصه عامیانه پیدا می‌کنند.

زیر نویس

۱- این مقاله ترجمه‌ای است از :

Extrait de "La culture paysanne traditionnelle", in : R. Turski (ed.) , Les transformations de la campagne polonaise , Wroclaw , Warszawa , Krakow , Zaklad Narodowy imienia Ossolinskich Wydawnictwo Polskiej Akademii Nauk , 1970 , pp.497-521 .

ترجمه علی‌اکبر نیک خلق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی